

### متن پرسش

استاد پیرامون ارتباط پاسختان به سوال ۳۸۲۷۵ و مطالب زیر بیشتر توضیح دهید: در مقالات شمس درباره مولوی آمده: « اگر از تو پرسند که مولانا را چون شناختی؟ بگو: اگر از قولش می پرسی: انما امره اذا اراد شیئاً ان یقول له کن فیکون و اگر از صفتش می پرسی: قل هو الله احد، و اگر از نامش می پرسی: هو الله الذی لا اله الا هو عالم الغیب و الشهاده هو الرحمان الرحیم و اگر از ذاتش می پرسی: لیس کمثله شیء و هو السميع البصیر. همچنین مناقب العارفين نقل می کند: یک بار مولوی به خادم خود (شیخ محمد) گفت: « فلان کار را به اتمام برسان. شیخ محمد در جواب گفت: ان شاء الله . مولانا بانگ بر وی زد که: ای ابله! پس گوینده کیست؟ و یا این شعر مثنوی: چون رسید آن وقت و آن تاریخ راست، زاده شد آن شاه و نرد ملک باخت، از پس آن سالها آمد پدید، بوالحسن بعد وفات بایزید، جمله خوهای او ز امساک و جود، آنچنان آمد که آن شه گفته بود، لوح محفوظ است او را پیشوا، از چه محفوظ است؟ محفوظ از خطا، نه نجومست و نه رملست و نه خواب، وحی حق والله اعلم بالصواب، از پی روپوش عامه در بیان، وحی دل گویند آن را صوفیان، وحی دل گیرش که منظرگاه اوست، چون خطا باشد؟ چو دل آگاه اوست، مؤمنا ینظر به نور الله شدی، از خطا و سهو آمن آمدی

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: در این مورد خوب است به جواب سؤال شماره ۳۸۳۱۱ رجوع شود. موفق باشید